

مخاطبه با کلام الله، رکن اصلی قرائت ترتیل

دکتر حسین مرادی زنجانی^۱ - حسین رحمانی زاده^۲

چکیده

سیره معصومین علیهم السلام حاکی از آن است که قرآن در زندگی آنان حضور دائمی داشته است، به گونه ای که همواره خود را مخاطب آیات قرآن کریم می دیدند و در برخی موارد به هنگام قرائت، به عنوان «مخاطبه با کلام الله» عباراتی را در تصدیق فحوای کلام یا در پاسخ به سؤال مطرح شده در آیه یا در مقام امتثال امر خداوند که در آیه بیان شده است، بیان می کردند. قرائت با چنین شرایطی یکی از ارکان اساسی قرائت ترتیل در سیره معصومین علیهم السلام است. این پژوهش ضمن استخراج و گونه شناسی چنین گزاره هایی، سعی دارد به الگویی جامع و مستند در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در مواجهه با قرآن دست یابد و مفهوم اصلی و حقیقی قرائت ترتیل را تبیین نماید.

کلید واژه ها: ترتیل، مخاطبه با کلام الله، قرائت در سیره نبوی، شیوه ترتیل معصومین علیهم السلام.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان. hmoradiz@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان:

Sobhan756@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۴/۵/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۷

قرآن کریم بزرگ‌ترین رسالت رسول خاتم صلی الله علیه و آله و کامل‌ترین کلام و نعمت الهی است که به واسطه وجود مبارک خاتم النبیین صلی الله علیه و آله در اختیار بشر قرار گرفته است. عنوان «قرآن» حاکی از آن است که خاتم الکتب، ماهیتی خواندنی دارد. سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز گواه بر این است که همواره امر خواندن و قرائت و تلاوت و ترتیل قرآن مورد توجه آن حضرت بوده است. گرچه امروز به لطف گسترش فعالیت‌های قرآنی، ترتیل به ظاهر واژه‌ای آشنا برای همگان است، اما اینکه ترتیل به عنوان یک اصطلاح و واژه قرآنی دقیقاً به چه معنا و مفهوم است، به جامعه عرضه نشده است.

با تتبع در روایات معصومین علیهم السلام مشخص می‌شود ترتیل بیش از آنکه یک سبک قرائت براساس نوع آهنگ و سرعت تلاوت باشد، شیوه‌ای از قرائت است که براساس معیارهای کیفی تبیین می‌شود. به رغم محدودیت‌های فرهنگی عصر ائمه علیهم السلام بخش مهمی از سیره قرآنی آن حضرات در منابع حدیثی ما به ثبت رسیده است، اما تبدیل به گفتمان اصلی و درون‌مایه سبک زندگی جامعه مسلمانان نشده است. از همین رو بجاست با بازگشتی تاریخی به هر آنچه از سیره پیشوایان دینی در منابع اصیل دینی ثبت شده و با بازخوانی و بازیابی آنها طرحی نو در انداخته، به امید خدا زمینه‌های تعالی فرهنگی جامعه مسلمانان را فراهم آوریم.

یکی از وجوه مهم سیره معصومان علیهم السلام نحوه مواجهه ایشان در برابر آیات و سوره‌های قرآن کریم است. آداب قرائت، چگونگی تلاوت قرآن و نوع مؤانست ایشان با قرآن و مسائلی از این دست، در منابع حدیثی ثبت شده است. از جمله این گزارش‌ها گزاره‌هایی هستند که از سوی ائمه اطهار علیهم السلام به سبک‌های گوناگون نظیر تضمین‌هایی از آیات قرآن به هنگام تلاوت (گاه در میان تلاوت و یا در پایان آن) در مخاطبه با آیات و عبارات قرآنی صادر شده‌اند، به این مفهوم که ائمه اطهار علیهم السلام در حین قرائت در برابر سؤال‌های موجود در آیات قرآن بی‌تفاوت نبوده و جواب‌هایی را بیان داشته‌اند و یا در برابر اوامر قرآنی امتثال امر نموده و عباراتی بر زبان آورده‌اند؛ به عنوان مثال، امام صادق علیه السلام

پس از تلاوت آیه ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ (ناس / ۱)، می فرمود: «اعوذ برب الناس.»^۱ ایشان در توضیح مفهوم ترتیل می فرماید: ترتیل آن است که هنگامی که به آیه عذاب جهنم و آتش رسیدی به خدا پناه ببری و وقتی به آیه ای که در آن ذکر بهشت شده رسیدی از خداوند درخواست بهشت و نعمات آن را نمایی.^۲

در واقع در سیره پیشوایان دین، قرآن تنها یک متن مکتوب مقدس نیست که تنها جنبه تاریخی داشته باشد، بلکه حقیقتی زنده است و ماهیتی پویا و خواندنی دارد. امام باقر علیه السلام در حدیثی می فرماید: «انَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ»^۳.

بر همین اساس و مطابق سنت نبوی، قاری قرآن همواره مخاطب قرآن است و شایسته است که رویکردی فعال به هنگام قرائت داشته باشد. چنین قرائتی را می توان به عنوان رکن اصلی قرائت ترتیلی در سیره اهل بیت علیهم السلام عنوان کرد.

پیشینه پژوهش

از میان علما و دانشمندان اسلامی تنها کسی که نگاهی ویژه به مخاطبات ائمه اطهار علیهم السلام با کلام الله داشته است، علامه مجلسی است. ایشان تنها محققى است که چنین گزاره هایی از سوی معصومین او را به تأمل واداشته و نسبت به مخاطبه ها حساسیت نشان داده است. این محقق و محدث بزرگ ضمن اینکه بخشی از روایات را در یک باب با عنوان «ما ینبغی أن یقال عند قراءة بعض الآيات والسور» گرد آورده، نگاه خود را نیز درباره این روایات بیان داشته است.

همچنین در کتاب *درآمدی بر مطالعات قرآنی در سیره نبوی*، نوشته دکتر محمدعلی لسانی فشارکی و دکتر حسین مرادی زنجانی اشاره ای گذرا به سنت مخاطبه با کلام الله در سیره معصومین علیهم السلام شده است. در کتاب *قرآن در قرآن آیه الله جوادی آملی* در بحث

۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۰، ص ۸۷۰.

۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، *عوالی اللئالی*، ج ۲، ص ۵۰.

۳. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، ج ۲، ص ۲۰۴.

تبیین عنوان «قرآن تکلم الهی است»، به موضوع مخاطبه با کلام الله اشاره شده است.

بررسی لغوی و اصطلاحی مفاهیم کلیدی

واژه «ترتیل» از ماده «رَتَل» گرفته شده است. «رَتَل» به معنای «منظم و مرتب بودن و در ردیف هم قرار گرفتن» است.^۱ اگر با لحاظ کردن این معنا، فعل مجرد را به باب تفعیل ببریم، معنای ترتیل به دست خواهد آمد. بنابراین، «ترتیل» به معنای منظم و مرتب کردن و نظام بخشی خواهد بود. در تعریف دیگری می خوانیم: کمال ترتیل، تفخیم الفاظ و آشکار کردن حروف است، به طوری که حروف در یکدیگر ادغام نشوند.^۲

مخاطبه یا خطاب، به معنای سخن گفتن به شکل مواجهه و روبه روست. در التحقیق فی کلمات القرآن مخاطبه به این صورت تعریف شده است: «وهو الکلام بین متکلم و سامع»^۳. راغب نیز در مفردات می گوید: «الْمُخَاطَبَةُ وَالْمُخَاطَبُ: المراجعة فی الکلام»؛ مخاطبه و تخاطب یعنی رویاروی سخن گفتن و رد کردن کلام به یکدیگر. بنابراین، مخاطبه فرایندی دوسویه بوده، در آن یک بده و بستان کلامی میان دو نفر یا دو گروه شکل می گیرد که به مفاهمه و انتقال مفهوم از طرفین می انجامد.

ترتیل و مخاطبه با کلام الله در بیان معصومین علیهم السلام

در پاره ای از روایات درباره میزان و کمیت قرائت قرآن در هر شب و مدت زمان ختم قرآن از معصوم سؤال شده است که ایشان جملگی در پاسخ، اجازه ختم قرآن در مدت زمان اندک را نداده اند. این روایات در کتاب کافی ذیل باب «فِي كَمْ يُقْرَأُ الْقُرْآنُ وَيُحْتَمُّ»

۱. بنگرید به: فیومی، احمد، المصباح المنیر، ص ۸۳؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۸۷.

۲. زرکشی، عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۸۲.

۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۳، ص ۸۲.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۸۶.

آمده است^۱. ائمه اطهار علیهم السلام در توضیح اینکه قرائت قرآن باید چگونه باشد، بحث ترتیل را مطرح کرده‌اند. در واقع از نظرایشان بهترین نوع قرائت آن است که در آن رعایت ترتیل شده باشد.

البته باید توجه داشت، آنچه به عنوان ترتیل در سیره معصومین علیهم السلام عنوان می‌شود با ترتیل مصطلح در زمان معاصر که یک سبک قرائت قرآن کریم است، متفاوت است. ترتیل نزد معصومین ماهیتی کیفی دارد؛ اما نزد قاریان امروزی نوعی سبک قرائت به شمار آمده، بسته به سرعت و آهنگ قرائت تعریف می‌شود.

در قرآن کریم دو جا از ترتیل سخن به میان آمده است. در یک آیه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾ (فرقان / ۳۲)؛ کافران گفتند: چرا این قرآن به یکباره بر او نازل نمی‌شود؟ برای آن است که دل تو را بدان نیرومندی دهیم و آن را به آهستگی و ترتیب فرو خوانیم. آیه‌ای دیگر هم آمده است: ﴿أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ (مزل / ۴)؛ یا اندکی برنیمه بیفزای و قرآن را شمرده و روشن بخوان.

علامه طباطبایی به نقل از مرحوم طبرسی درباره معنای ترتیل آورده است: و کلمه «ترتیل» - به طوری که گفته‌اند - به معنای «ترسیل» یعنی پشت سر هم آوردن چیزی است^۲.

در تفسیر اثنا عشری درباره ترتیل، وجوه زیر بیان شده است:

۱. «به تائی و شمرده بخوان قرآن را و روشن کن حروف آن را به وقت تلاوت.
۲. محافظت حروف و ادا کردن آن از مخارج.
۳. تأمل در لطایف خطاب قرآن، و نفس را مطیع سازی به قیام نمودن به احکام اوامر و نواهی، و این جز به تائی نشود.
۴. مراد تحزین قرآن است؛ یعنی به صدای حزین خواندن. و ابوبصیر از حضرت

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۶۳۷.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۶۹.

صادق علیه السلام روایت نموده: ترتیل مکث کنی در آن، و به حسن صوت قرائت کنی. (نه غنا که گناهش بیشتر است).

۵. تدبر در معانی قرآن و تفکر در آن و اقدام به اوامر آن و اجتناب از نواهی آن.
۶. در آیه بهشت، از حق درخواست کنی و در آیه جهنم، پناه بری به خدای تعالی.
۷. به تأنی خواندن که قلب متوجه شود، و هم شخص این نباشد که سوره تمام شود.^۱

جوهری که آمد - به جز ردیف دوم - جملگی برگرفته از روایاتی است که معصومین علیهم السلام در تبیین معنای حقیقی ترتیل بیان داشته‌اند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «التَّزْتِيلُ إِذَا مَرَزْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَاسْتَعِدَّ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَإِذَا مَرَزْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَاسْأَلِ الْجَنَّةَ»^۲؛ ترتیل آن است که هنگامی که به آیه عذاب جهنم و آتش رسیدی به خدا پناه ببری و وقتی به آیه‌ای که در آن ذکر بهشت شده رسیدی از خداوند بهشت و نعمات آن را درخواست نمایی.

این تعریف از ترتیل را می‌توان «مخاطبه با قرآن» نامید که در سیره معصومین علیهم السلام همواره وجود داشته است؛ یعنی معصومین علیهم السلام نسبت به آیات قرآن بی تفاوت نبوده، اثر و انعکاس آیات قرآن را در حالات درونی و بیرونی خویش با بیان عباراتی نشان می‌دادند. بنابراین تا زمانی که به هنگام قرائت، ترتیل «بما هو ترتیل» به صورتی که مد نظر اهل بیت علیهم السلام است، وجود نداشته باشد، امکان تحقق مخاطبه نیز وجود نخواهد داشت.

در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام رابطه ترتیل و مخاطبه با کلام الله را این‌گونه تبیین کرده‌اند: «يُنْبَغِي لِلْعَبْدِ إِذَا صَلَّى أَنْ يُرْتِّلَ قِرَاءَتَهُ وَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَإِذَا مَرَّ بِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» قَالَ لَيْتَكَ رَبَّنَا»^۳.

بنابراین، قرائت زمانی ترتیل خواهد بود که علاوه بر درخواست بهشت و استعاذه از

۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، ج ۱۳، ص ۳۶۰.

۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۵۰.

۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۶۲.

آتش جهنم، در آن حالت مخاطبه با کلام الله وجود داشته باشد؛ یعنی وقتی به عبارت «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» رسیدیم، بگوییم: «لَيْتِكَ رَبَّنَا».

همچنین طبق روایت اخیر، امکان تحقق مخاطبه در نماز نیز هست و علامه مجلسی با نگاهی دقیق به این روایت، جواز تلبیه (لبیک گفتن) در نماز را استنتاج کرده است.^۱

قرائت «هذومه» نقطه مقابل ترتیل

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُقْرَأُ هَذْرَمَةً، وَلَكِنْ يُرْتَّلُ تَرْتِيلًا، إِذَا مَرَّتْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ، وَقَفَّتْ عِنْدَهَا، وَتَعَوَّذَتْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».^۲

«هذومه» به معنای سرعت در قرائت است.^۳ از این رو، ترتیل قرآن، قرائتی با تأنی و تدبیر است و می‌تواند زمینه مخاطبه با کلام خدا را فراهم کند.

در روایتی دیگر، وقتی از امام صادق علیه السلام درباره «... وَرَتَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» پرسیدند، ایشان از حضرت علی علیه السلام نقل کردند که فرمود: «...بَيْنَهُ بَيَانٌ وَلَا تَهْدَهُ هَذَا الشَّعْرُ وَلَا تَنْثَرَهُ نَشْرَ الرَّمْلِ وَلَكِنْ افْرَعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ وَلَا يَكُنْ هَمٌّ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ»؛ ترتیل یعنی آن را خوب بیان کن و همانند شعر آن را بشتاب مخوان، و مانند ریگ (هنگام خواندن) آن را پراکنده مساز، بلکه دل‌های سخت خود را به وسیله آن به بیم و هراس افکنید، و همت شما این نباشد که سوره را به آخر رسانید.

مولی محسن فیض کاشانی در توضیح این روایت می‌گوید: «هذء» اشاره به سرعت در قرائت دارد؛ یعنی نه مانند شعرخوانی سریع بخوان و نه خیلی آهسته و پراکنده، بلکه باید حد وسط و اعتدال را در قرائت در نظر گرفت.^۴

۱. بنگرید به: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۸.

۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۴، ص ۱۲۷.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۵.

۵. بنگرید به: فیض کاشانی، مولی محسن، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۷۱.

همچنین حضرت علی علیه السلام در وصف پرهیزکاران شرایطی را برای قاریان و تالیان قرآن ذکر کرده‌اند که حاکی از تحقق حالت مخاطبه با کلام الله است و این حالات، زمانی شکل می‌گیرد که قاری و تالی قرآن خود را در حال مخاطبه با آیات الهی بدانند.^۱

وقف و تأتی پیش شرط قرائت ترتیل

در بعضی از روایات يك ركن از دو ركن ترتیل، شناخت جایگاه وقوف معرفی شده است که بدون آن امر ترتیل و تلاوت قرآن کامل نمی‌باشد؛ از جمله از امام علی علیه السلام نقل شده است: «الترتیل معرفة الوقوف و تجوید الحروف»^۲؛ پس وقف یکی از مقدمات شکل‌گیری مخاطبه است.

مفهوم وقف در فرهنگ معصومین علیهم السلام با آنچه در میان قراء مصطلح شده است تفاوت دارد. در مکتب معصومین هدف از وقف، تأتی و ایجاد حالت مخاطبه با کلام الله است، در حالی که در میان قاریان و اهل تجوید، وقف اغلب با هدف تجدید نفس یا تغییر نغمه و آهنگ قاری انجام می‌شود.

امام صادق علیه السلام منظور از حق تلاوت را در آیه «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۳ (بقره/۱۲۱) رعایت مواضع وقوف دانسته است؛ یعنی در سر هر آیه که ذکر بهشت و جهنم است، وقف می‌کردند و گاهی با چشمانی گریان از خداوند طلب بهشت کرده، از آتش جهنم به او پناه می‌بردند. بنابراین، ادای حق تلاوت قرآن، در قرائتی شکل می‌گیرد که در آن مخاطبه با کلام الله و آیات قرآن شکل گرفته باشد و قاری ارتباط دوسویه‌ای با آیات قرآن برقرار کند.

۱. بنگرید به: حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۵۳.

۲. جزری، محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳. کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده‌ایم، [و] آن را چنان که باید می‌خوانند، ایشان‌اند که بدان ایمان دارند، و [لی] کسانی که بدان کفر ورزند، همانان‌اند که زیانکاران‌اند.»

جایگاه و آداب مخاطبه با کلام الله در سنت نبوی و ائمه طاهرين

مخاطبه با کلام الله علاوه بر اینکه در سیره معصومین ظهور داشته است، یک مطالبه جدی از سوی ایشان بوده است. در واقع زمانی که مخاطبه صورت نمی‌گیرد، و قاری و مستمع قرآن عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهند، حق تلاوت قرآن برآورده نمی‌شود. جابر بن عبدالله گوید: پیامبر ﷺ روزی سوره الرحمن را در جمع مردم خواند، ولی آنها سکوت کردند و چیزی نگفتند، به آنها فرمود: جن‌ها بهتر از شما پاسخ می‌دهند؛ چرا که من وقتی آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ را برایشان خواندم، آنها در پاسخ گفتند: «ولا بشيءٍ من آلاء ربنا نكذب»؛ نه، هرگز ما چیزی از نعمت‌های پروردگاران را انکار و تکذیب نمی‌کنیم.^۱

آن حضرت به این ترتیب، به مسلمانان توصیه کردند که هنگام شنیدن آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ که در سوره الرحمن سی‌بار تکرار شده، سکوت نکنند و جواب دهند؛ مثلاً بگویند: «لا بشيءٍ من آلائك ربِّ اكذب».

در قرآن نیز حالت بی‌تفاوتی و عدم تأثیر و انفعال در برابر آیات الهی به شدت نکوهیده شده است: ﴿فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ. وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ﴾ (انشقاق/ ۲۰-۲۱)؛ خداوند در این آیه سؤال می‌کند و از موانع این حالت جويا می‌شود که اینان را چه شده است و به چه آفاتی مبتلا شده‌اند که در برابر آیات قرآن، این چنین بی‌تفاوت‌اند و عکس-العملی از خود نشان نمی‌دهند.

امام صادق عليه السلام به عمار بن موسی سفارش کرد که بعد از قرائت آیات و سوره‌های زیر عبارات ذیل را [در مخاطبه با آنها] بیان کند. پس از ختم سوره شمس بگوید: صَدَقَ اللَّهُ وَ صَدَقَ رَسُولُهُ؛ بعد از قرائت آیه ﴿اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ بگوید: اللَّهُ خَيْرٌ اللَّهُ خَيْرٌ اللَّهُ خَيْرٌ اللَّهُ أَكْبَرُ؛ پس از آیه ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِيرُهُ كَبِيرًا﴾ بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ.

۱. فیض کاشانی، مولی محسن، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۶۴۰.

عَمَّار از امام پرسید: اگر فردی این عبارات را نگوید، اشکالی دارد؟
امام فرمود: خیر اشکالی ندارد.^۱

بنابراین، می‌توان باب نوین و گسترده‌ای را در مسئله مخاطبه با قرآن گشود؛ به ویژه در برابر آیاتی که لحن سؤالی دارند درنگ کنیم و خودمان را واقعاً در برابر پرسش‌هایی از سوی خداوند بدانیم که باید به آنها پاسخ بگوییم. مثلاً در برابر آیه ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّكْرِ﴾ (ماعون/۱) خود را در برابر یک سؤال الهی بدانیم و در صدد پاسخ آن برآییم و با این تصور که این سؤال تنها متوجه پیامبر اکرم ﷺ است از پاسخ به آن سرباز نزنیم؛ چنان‌که حضرت امیرالمؤمنین در نهج البلاغه در برابر سؤال ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَاكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ﴾ (انفطار/۶)، انواع پاسخ‌ها را مطرح می‌کنند...^۲

نظر مراجع شیعه درباره جواز مخاطبه با کلام‌الله

هرچند تعدد روایات مربوط به مخاطبه معصومین عليهم‌السلام کاشف از سیره عمومی آن حضرات و در واقع به نوعی سنتی «متواتر معنوی» است^۳، با وجود این، برای کسب اطمینان خاطر از طریق استفتاء، نظر و رأی مراجع معظم شیعه را درباره حکم فقهی و جواز مخاطبه با کلام‌الله جویا شدیم که آیات عظام سیستانی و وحید خراسانی به این استفتاء پاسخ دادند:

سؤال: با سلام و تحیات محضر مرجع عالیقدر شیعه

این جانب در حال انجام پژوهشی تحت عنوان مخاطبه با کلام‌الله در بیان معصومین عليهم‌السلام می‌باشم. آنچه از مجموعه روایات مربوط به سیره قرآنی معصومین عليهم‌السلام برمی‌آید، حاکی از آن است آن حضرات در پاره‌ای از مواقع، هنگام قرائت قرآن گزاره‌هایی

۱. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۳۴۴.

۳. بنگرید به: صالح، صبحی، علوم حدیث و اصطلاحات آن، ترجمه عادل نادرعلی، ص ۱۱۵؛

مدیرشانه چی، کاظم، درایة الحدیث، ص ۶۵.

در امتثال امر یا سؤال موجود در آیات قرآن کریم بر زبان آورده‌اند؛ به عنوان مثال از امام صادق علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید: هنگامی که «قل اعوذ برب الناس» را قرائت نمودی بگو: «اعوذ برب الناس». یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید کرده‌اند که بعد از آیه «فبأی آلاء ربکما تکذبان» بگوییم: «لابشیء من آلاء رب اکذب».

سؤال حقیر این است که حکم فقهی گفتن چنین عباراتی که زمینه انس و تدبیر بیشتر در آیات قرآن کریم را فراهم می‌آورد البته بدون قصد اینکه این عبارات جزء کلام الله محسوب شوند، چه می‌باشد؟ و در حالت کلی نظر حضرت عالی درباره ایجاد حالت مخاطبه با کلام الله هنگام قرائت قرآن کریم چیست؟

پاسخ استفتاء:

باسمه تعالی

نه تنها گفتن این عبارت جایز است، بلکه مستحب است، بلکه از احادیث استفاده می‌شود که بعد از هر آیه‌ای که در آن عذاب الهی آمده، مستحب است به خداوند پناه ببریم و از خداوند بخواهیم آن را از ما دور کند و همچنین بعد از هر آیه‌ای که در آن بهشت و نعمت‌های الهی آمده، مستحب است از خداوند بخواهیم آن را به ما بدهد؛ چنانچه در حالات امام رضا علیه السلام در راه خراسان گفته شده (آن حضرت بسیار قرآن تلاوت می‌کرد. پس اگر به آیه‌ای رسید که در آن بهشت یا دوزخ ذکر شده گریه می‌کرد و از خداوند بهشت را طلب می‌کرد و پناه می‌برد به خداوند از آتش جهنم... و وقتی ﴿قل هو الله﴾ را تمام می‌کرد می‌فرمود: «کذلک الله ربنا» سه مرتبه و وقتی «الحمد» را تمام می‌کرد می‌گفت: «الحمد لله رب العالمین» و اگر می‌خواند ﴿یا ایها الذین آمنوا﴾ می‌گفت: «لَبَّيْکَ اللَّهُمَّ لَبَّيْکَ».

دفتر مرجع عالی قدر سید علی حسینی سیستانی - بخش استفتائات

کد استفتاء: ۱۶۲۱۳۰

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

اگر به همان نحوه‌ای که به صورت معتبر از چهارده معصوم علیهم السلام وارد شده، اشکالی

ندارد.

دفتر مرجع عالی قدر آیت الله وحید خراسانی - بخش استفتائات

سبک‌شناسی مخاطبه در سیره معصومین علیهم‌السلام

با تأمل در مخاطبه‌های وارده از معصومین علیهم‌السلام، می‌توان به تفاوت کمی و کیفی آنها پی برد. در واقع نوع و شکل مخاطبه مطرح شده را می‌توان در دسته‌بندی‌های مختلفی قرار داد که به برخی از آنها به صورت ذیل اشاره می‌کنیم:

۱- مخاطبه کلامی

❖ با استفاده از عبارات قرآنی

از عبدالله بن سنان نقل شده است که امام صادق علیه‌السلام فرمود: هنگامی که «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» (فلق/۱) را قرائت نمودی، با خود بگو: أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، و هنگامی که «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» (ناس/۱) را قرائت نمودی، بگو: أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ^۱.

❖ بدون استفاده از عبارات قرآنی

ابن ابی ضحاک مخاطبه امام رضا علیه‌السلام با آیات سوره اخلاص را این‌گونه نقل کرده است: «... وَ كَانَ إِذَا قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» قَالَ سِرًّا «اللَّهُ أَحَدٌ» فَإِذَا فَرَعَهَا قَالَ «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا ثَلَاثًا...»^۲؛ امام رضا پس از قرائت آیه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (اخلاص/۱) با صدای آهسته می‌فرمودند: «الله احد» و بعد از قرائت کل سوره، سه بار می‌گفتند: «كذلك الله ربنا».

در متن حدیث، هم مخاطبه کلامی با استفاده از عبارت قرآنی یعنی «الله احد» و هم مخاطبه کلامی بدون استفاده از عبارت قرآنی، یعنی «كذلك الله ربنا» از امام رضا علیه‌السلام صادر شده است.

۲- مخاطبه غیرکلامی

❖ مخاطبه به وسیله حالات ظاهری؛ نظیر گریه، حزن و اندوه.

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۷۰.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۱۸۳.

❖ مخاطبه با تغییر و تحول حالات باطنی و درونی؛ مانند خشوع و خشیت.
 بر اساس آیاتی از قرآن، مخاطبه با قرآن امری بدیهی و ضروری است که ما همواره از کنار آن آیات بدون توجه و تأمل شایسته گذر کرده ایم. در آیه ۸۳ سوره مائده می خوانیم:
 ﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ﴾.

حالات امام کاظم علیه السلام در تلاوت قرآن

در روایتی دیگر مخاطبه ای از امام موسی بن جعفر علیه السلام به تصویر کشیده شده است که تنها با تغییر حالت ظاهری و درونی و نیز حزن و گریه همراه است. «كان عليه السلام أحسن الناس صوتاً بالقرآن. فكان إذا قرأ يحزن، وبكى السامعون لتلاوته، وكان يبكي من خشية الله حتى تخضل لحيته بالدموع»^۱.

حالات امام رضا علیه السلام در تلاوت قرآن

ابن ابی ضحاک که در سفر امام رضا علیه السلام از مدینه تا خراسان همراه و ملازم ایشان بود، درباره چگونگی قرائت قرآن توسط امام رضا علیه السلام نکات جالبی را نقل کرده است که مهم ترین آنها اشاره به احساس مخاطبه ای دارد که در وجود آن حضرت بود. وی می گوید:
 «وَ كَانَ يُكْتَبُ بِاللَّيْلِ فِي فِرَاشِهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى وَ سَأَلَ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»^۲.

گریه و حزن یکی از مصادیق مخاطبه غیرکلامی معصومین علیهم السلام می باشد که درباره با امام رضا علیه السلام عنوان شده است. از عبارت «سأل الله» نیز به خوبی برمی آید که ایشان همواره در لابه لای آیات و برسر آیات وقف و مکث می کردند و از خداوند درخواست می نمودند که نعمت هایی را که در این جملات و آیات برشمرده است، به ایشان نیز عطا نماید و آتش جهنم را از وجودشان دور سازد.

این در حالی است که بیشتر ما به هنگام قرائت، آیات و سوره های بسیاری را

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۰۷.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۳.

بی‌وقفه می‌خوانیم و از فضای گفت‌وگو و مخاطبه فرسنگ‌ها فاصله می‌گیریم، به این حساب که تلاوت قرآن، وظیفه‌ای است که باید از گردنمان ساقط شود و هرروز تلاوت صفحاتی چند در پرونده اعمال مان ثبت گردد!

۳- ترکیبی از کلامی و غیر کلامی

❖ سجده به هنگام تلاوت آیات

یکی دیگر از مظاهر مخاطبه با کلام الله در سیره معصومین علیهم‌السلام، سجده به هنگام قرائت بعضی آیات و سوره‌ها است. سنت سجده در پایان برخی از آیات که مواردی واجب و در موارد دیگری مستحب می‌باشد، ریشه در همین سیره دارد؛ مثلاً امامان معصوم علیهم‌السلام در پایان قرائت آیه آخر سوره علق به سجده رفته و ذکر را بر زبان جاری ساخته‌اند و اصحاب خود را نیز به این عمل امر کرده‌اند.

با توجه به اینکه در این نوع مخاطبه هم سجده وجود دارد و هم ذکر سجده که مآثور از ائمه علیهم‌السلام می‌باشد، آن را می‌توان ترکیبی از مخاطبه کلامی و غیر کلامی دانست.

مظاهر مخاطبه با کلام الله در سوره‌های قرآن

در این بخش به بیان مخاطبه‌های معصومین علیهم‌السلام با سوره‌های قرآن کریم خواهیم پرداخت. به منظور رعایت ایجاز و اختصار در این بخش از نقل متن و ترجمه روایات مربوط صرف نظر کرده، تنها اسلوب‌های مآثور در مقام مخاطبه با کلام الله را بیان می‌کنیم:

برخی از مخاطبه‌های وارده در منابع روایی شیعه

منبع	مخاطبه معصوم <small>علیهم‌السلام</small>	بیان قرآن	آدرس آیه
الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۷، ص ۴۴۴	أعوذ برب الناس	قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ	ناس، آیه ۱
مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۷۰	أعوذ برب الفلق	قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ	فلق، آیه ۱

اخلاص، آیه ۱	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ	اللَّهُ أَحَدٌ. اللَّهُ الصَّمَدُ	بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۰
اخلاص، آیات ۳ و ۴	لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ. وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.	كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي	الكافي، ج ۳، ص ۴۸۴
كافرون، آیه ۱	قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ	يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ	عيون أخبار الرضا <small>عليه السلام</small> ، ج ۲، ص ۱۸۳
كافرون، آیه ۶	لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ	رَبِّيَ اللَّهُ وَدِينِيَ الْإِسْلَامَ	عيون أخبار الرضا <small>عليه السلام</small> ، ج ۲، ص ۱۸۳
تين، آیه ۸	أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ	بَلَىٰ وَنَحْنُ عَلَىٰ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ	اصول كافي، ج ۳، ص ۳۲۸
شمس، آیات ۷ و ۸	وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا. فَأَلَّهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا	اللَّهُمَّ آتْ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَرَزَّكْهَا أَنْتَ خَيْرَ مَنْ رَزَّكَاهَا أَنْتَ وَلِيِّهَا وَ مَوْلَاهَا	الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۵۶
اعلى، آیه ۱ (وسور مسيحات)	سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَىٰ	سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَىٰ	خصال، ج ۲، ص ۶۵
مرسلات، آیه ۵۰	فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ	أَمَنَّا بِاللَّهِ	الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۹۶
قيامت، آیه ۴۰	أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَحْيِيَ الْمَوْتَىٰ	«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بَلَىٰ» و «بَلَىٰ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ»	كنز العمال، ج ۲، ص ۳۲۴
جمعه، آیه ۱۱	قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهِوِّ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ	قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهِوِّ وَمِنَ التِّجَارَةِ - لِلَّذِينَ اتَّقَوْا - وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ.	عيون أخبار الرضا <small>عليه السلام</small> ، ج ۲، ص ۱۸۳

واقعہ، آیہ ۹۶	فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ	سبحان ربی العظیم	ترجمہ میزان، ج ۱۹، ص ۲۴۴ مجمع بیان، ج ۹، ص ۲۲۴
الرحمن	فَإِيَّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ	لَا يَشِيءُ مِنْ آلائِكَ رَبِّ أَكْذِبُ	من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۱۵
احزاب، آیہ ۵۶	إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ	اللهم صلّ على محمد وآل محمد	الخصال، ج ۲، ص ۱۶۵
آیات متعدد	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا	لَبَيْتِكَ رَبَّنَا	تهذیب، ج ۱، ص ۱۶۲
نمل، آیہ ۵۹	قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اضْطَفَى اللَّهُ خَيْرًا مَّا يُشْرِكُونَ	الله خير الله أكبر	تهذیب، ج ۱، ص ۲۲۱
اسراء، آیہ ۱۱۱	الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا - إِلَى - وَكَبِيرُهُ تُكْبِيرًا	الله أكبر. الله أكبر. أكبر	تهذیب، ج ۱، ص ۲۲۱
انعام، آیہ ۱	الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ	كذب العادلون بالله	تهذیب، ج ۱، ص ۲۲۱

آنچه در این پژوهش آمد، تنها مظاهر و نمونه‌هایی از مخاطبه‌های وارده از معصومین علیهم‌السلام به هنگام قرائت و تلاوت برخی از سوره‌ها و آیات است که رعایت آن، قرائت ترتیلی مطابق تعالیم معصومین علیهم‌السلام را محقق می‌سازد. البته باید توجه داشت که مفهوم روایات یادشده این نیست که همیشه به هنگام قرائت این سوره‌ها و آیات، باید

این جملات را بر زبان آوریم یا جملات خاص املا شده دیگری را بگوییم، بلکه مراد این است که به هنگام قرائت متوجه باشیم تحت تعلیم و تربیت الهی هستیم و باید آثار این تعلیم و تربیت را در وجود خود پیاده کنیم.

به دیگر سخن، بیان چنین جملاتی از سوی قاری قرآن در واقع قرآن صاعد است که در برابر قرآن نازل و به عنوان پاسخ و انعکاس آن و درس پس دادن به صاحب قرآن ابراز می‌شود.

نتیجه‌گیری

۱. با نگاهی به سیره نبوی و امامان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام مشخص می‌شود که ایشان در پی تعلیم این مهم بودند که همه مردم خود را مخاطب قرآن بدانند.
۲. ائمه اطهار علیهم‌السلام در مواجهه با قرآن به ویژه هنگام قرائت قرآن به گونه‌ای رفتار می‌کردند که گویی با انسانی در حال مخاطب و گفت‌وگومی باشند. لذا در مقام مخاطبه گزاره‌هایی گاه در مقام تصدیق فحوای کلام، گاه در مقام پاسخ به سؤال مطرح شده در آیه و گاه در مقام امتثال امر خداوند که در آیه بیان شده است، به زبان جاری می‌ساختند که قرائت با چنین شرایطی یکی از ارکان اساسی قرائت ترتیل در سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام است.
۳. مخاطبه‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام با قرآن گاه کلامی بود و گاه غیرکلامی؛ مانند سجده، گریه و حزن که در واقع اثر مخاطبه با کلام الله می‌باشد. مخاطبه‌های کلامی ایشان نیز گاه برگرفته از خود عبارات قرآنی بود و گاه بدون استفاده از عبارات قرآنی.
۴. در سیره معصومین علیهم‌السلام مستنداتی وجود دارد که نه تنها به مخاطبه با کلام الله امر کرده‌اند، بلکه در سبک و روش مخاطبه با آیات قرآن کریم دست ما را باز گذاشته‌اند. لذا می‌توان این قبیل مخاطبه‌ها را گسترش داد و بدین سان قرائت قرآن را فعال‌تر و کاربردی‌تر ساخت.

پیشنهادها:

۱. اکنون می‌توان نارسایی برخی از فعالیت‌های قرآنی فردی و اجتماعی را آسیب‌شناسی کرد. اینکه با وجود سازمان‌ها و مؤسسات قرآنی بی‌شماری که در کشور عزیزمان جمهوری اسلامی ایران به فعالیت می‌پردازند، چرا هنوز فرهنگ قرآنی در جامعه نهادینه نشده، ما شاهد بسیاری از معضلات اخلاقی هستیم. بدین‌سان بر همگان لازم است که با تأسی از سیره و شیوه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام با قرآن به عنوان «حی لایموت» مواجهه داشته، ضمن مخاطب دانستن خود در برابر قرآن، به شیوه معصومین علیهم‌السلام با قرآن وارد گفت‌وگو شوند تا قرآن در همه ابعاد زندگی‌شان ساری و جاری شود. چه بسا با این شیوه که برگرفته از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است، روح تازه‌ای در جامعه دمیده شود.
۲. پیشنهاد می‌شود، روش مخاطبه با کلام‌الله به صورت آزمایشی در برخی از مؤسسات و مراکز قرآنی کشور اجرا شود. بدین منظور شایسته است ابتدا مخاطبه‌هایی را که از معصومین علیهم‌السلام درباره آیات و سوره‌های حزب مَفْصَل گزارش شده را تهیه و تنظیم کرد تا حین آموزش قرآن از همان ابتدا قرآن‌آموزان با سبک و شیوه معصومین علیهم‌السلام در مخاطبه با کلام‌الله آشنا شوند.
۳. پس از آموزش و تعلیم چنین سنتی به مردم به ویژه قرآن‌آموزان، می‌توان با انجام نظرسنجی، تجربه‌ای را که افراد به آن دست یافته‌اند، تنظیم کرده، در اختیار دیگران قرار دهیم.

منابع

۱. *قرآن کریم*، چاپ سپهر، تهران، ۱۳۹۸ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا علیه‌السلام*، تصحیح و تحقیق مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
۳. _____، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۴. _____، *الخصال*، علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین، *عوالی الثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*،

- دار سید الشهداء للنشر، قم، ۱۴۰۵ ق.
۶. انوری، حسن، **فرهنگ بزرگ سخن**، سخن، تهران، ۱۳۸۱ ش.
 ۷. جزری، محمد بن محمد، **النشر فی القراءات العشر**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
 ۸. جوادی آملی، عبدالله، **قرآن در قرآن**، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۳ ش.
 ۹. حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
 ۱۰. حسینی شاه عبد العظیمی، حسین بن احمد، **تفسیر اثنا عشری**، انتشارات میقات، تهران، ۱۳۶۳ ش.
 ۱۱. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
 ۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق صفوان عدنان داودی، دارالعلم-الدار الشامیه، دمشق-بیروت، ۱۴۱۲ ق.
 ۱۳. زرکشی، عبدالله، **البرهان فی علوم القرآن**، دارالمعرفة، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
 ۱۴. زمخشری، محمود، **اساس البلاغه**، دار صادر، بیروت، ۱۳۹۲ ق.
 ۱۵. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، **الجدید فی تفسیر القرآن المجید**، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
 ۱۶. سیوطی، جلال الدین، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۷. شریف الرضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه (للصبحی صالح)**، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
 ۱۸. _____، **نهج البلاغه**، ترجمه و شرح فیض الاسلام، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام، تهران، ۱۳۷۹ ش.
 ۱۹. صالح، صبحی، **علوم حدیث و اصطلاحات آن**، ترجمه و تحقیق عادل نادرعلی، انتشارات اسوه، تهران، ۱۳۸۳ ش.
 ۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
 ۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
 ۲۲. طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الأحکام**، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
 ۲۳. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، اشجع، تهران، ۱۳۹۰ ش.
 ۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، تصحیح و تحقیق سیدهاشم، رسولی محلاتی، المطبعة العلمیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.

۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، هجرت، قم، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. فیض کاشانی، مولی محسن، *تفسیر الصافی*، تصحیح و تحقیق حسین اعلمی، مکتبه الصدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۲۷. قیومی، احمد، *المصباح المنیر*، مکتبه لبنان، بیروت، ۱۹۸۷ م.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی زنجانی، *درآمدی بر مطالعات قرآنی در سیره نبوی*، نصایح، قم، ۱۳۹۲ ش.
۳۰. لوییس معلوف، *المنجد فی اللغة و الاعلام*، انتشارات اسماعیلیان، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۳۱. متقی هندی، *کنز العمال*، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. مدیرشانه چی، کاظم، *درایة الحدیث*، دارالثقلین، قم، ۱۳۷۹ ش.
۳۴. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۳۵. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۳۶. مهیار، رضا، *فرهنگ ابجدی عربی فارسی*، اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش.